



درس فارغ اصول استاد ماه سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: اصول عملیه

تاریخ: ۲۸ شهریور ۱۴۰۴

مصادف با: ۷ ربیع الثانی ۱۴۴۸

موضوع جزئی: لزوم مراجعه به مظان علم و اهل علم - اهتمام به امور مسلمین جدایی ناپذیر از کسب علم و معرفت الهی -

نقشه دشمنان و مسئولیت عالمان دین در شرایط کنونی

جلسه: ۱

سال هجدهم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

امروز نخستین روز از بحث اصول است آخرین جلسه درسی اصول در بهمن ماه ۱۴۰۴ برگزار گردید، در میانه بحث از حدیث رفع، بحث را به پس از تعطیلی ایام رمضان موقوف کردیم و چنان که می دانید، با آن قضایا و اتفاقاتی که رخ داد، درس، عملاً سال گذشته پس از رمضان برگزار نشد؛ لذا بحث اصول در میانه رها شد و فاصله نسبتاً طولانی میان بحث ها ایجاد گردید. بنابراین، باید مروری بر گذشته داشته باشیم و خلاصه ای از آخرین مباحث ارائه دهیم تا معلوم شود از کجا می خواهیم این بحث را ادامه دهیم.

لزوم مراجعه به مظان علم و اهل علم

پیش از بیان خلاصه بحث گذشته، روایتی نقل می کنم، که در برخی از جوامع روایی نقل شده است. مرحوم نراقی نیز در معراج السعاده، در باب چهارم، این روایت را نقل کرده است. روایت از امام رضا (ع) است که همگی شنیده اید: «طلب العلم فریضة علی کل مسلم». این جمله را همه شما شنیده اید، اما ذیلی دارد که می خواهم امروز بر آن ذیل تکیه کنم. امام (ع) فرمودند: «طلب العلم فریضة علی کل مسلم (و مسلمة) فاطلبوا العلم من مظانه، و اقتبسوه من اهلها، فان تعلمه الله حسنة، و طلبه عبادة، و المذاکره به تسبیح...». این روایت را مرحوم شیخ طوسی در امالی نیز نقل کرده است، در مجلس هفدهم.

حضرت نخست می فرماید: طلب علم و دانش فریضة است بر هر مسلمانی. البته در برخی نقل ها «مسلمة» نیز دارد، و در برخی نقل ها این را ندارد. اما اینکه راه عمل به این واجب چیست؟ «طلب العلم فریضة» است، ولی وقتی انسان می خواهد چیزی را طلب کند، از کسی یا از جایی باید باشد. این طلب باید سرچشمه ای داشته باشد. کجا باید طلب کنیم؟ اصل طلب و جستجو و به دنبال علم و دانش بودن واجب است. ممکن است کسی سؤال کند: ما این علم را از کجا طلب کنیم؟ کجا دنبال آن بگردیم؟ کجا جستجو کنیم؟ حضرت می فرماید: «فاطلبوا العلم من مظانه و اقتبسوه من اهلها»؛ اولاً علم را در مظانّش باید طلب کرد. هر چیزی مظانّی دارد. شما وقتی ماشینتان خراب می شود، برای تعمیر ماشین به سراغ مظان آن می روید؛ یعنی سراغ تعمیرکاران یا کسانی که می توانند ماشین را تعمیر کنند می روید. مظان تعمیر ماشین معلوم است کجا است؛ لذا جایی نمی روید که صنف دیگری در آن حضور دارد. این یک محدوده کلی دارد، مظان دارد، به آنجا می روید؛ و بعد هم «فاقتبسوه من اهلها». پس حضرت دو توصیه مهم دارند: نخست اینکه آن را در مظانّش جستجو کنید. طبیعتاً برای طلب علم نباید به سراغ تجار رفت.

بله، ممکن است تاجری نیز عالم باشد، ولی در آنجا حیث عالم بودنش غلبه می‌کند و محدوده کسانی قرار می‌گیرد که مظانّ طلب علم هستند.

حضرت دو دستورالعمل دارند: ۱. در مظانّش علم را طلب کنید، ولی در مظانّ علم بودن صرفاً بودن کافی نیست، چون آنجا هم اهل دارد و هم نا اهل لذا می‌فرماید: ۲. «فاقتبسوه من أهله». اینجا مرز میان مدّعی و عالم کاملاً روشن می‌شود. ممکن است کسی مدّعی باشد اما اهل نباشد. در دایره عالمان نیز ما اهل و نااهل داریم. «فاقتبسوه من أهله» اهل یعنی کسی که اهل علم و دانش است، نه مدّعی. ادعا زیاد است؛ نام ممکن است باشد، اما هر نامی موجب اهلیت نمی‌شود. اهلیت شرط مهمی برای کسب علم است.

این مطلب، مخصوصاً در حوزه و در میان طلاب و فضلاء حوزه‌های علمیه، بیشتر باید مورد توجه قرار گیرد؛ که مواظب باشند به صرف ادعاها، سراغ کسی نروند. اولاً بدانند فقه، اصول، فلسفه، تفسیر... هر کدام مظانّی دارند؛ این مظانّ نه فقط در مورد اساتید، بلکه در مورد کتب نیز همین‌طور است. بعضی کتب واقعاً حتی از دایره مظانّ مراجعه طالبان علم خارج هستند. و ثانیاً مراقب باشند اقتباس علم و دانش از اهلش باشد. این توصیه امام علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحية والثناء است. ان شاء الله ما بتوانیم این فریضه را عمل کنیم، و بعد برای عمل به این فریضه مراقب باشیم به سراغ اهلش برویم. آن وقت می‌توانیم بگوییم ما به این دستور و توصیه امام رضا(ع) عمل کردیم. این نکته‌ای است که ما طلبه‌ها باید به آن توجه کنیم.

اهتمام به امور مسلمین؛ جدایی‌ناپذیر از کسب علم و معرفت الهی

اما نکته‌ای که می‌خواستم عرض کنم این است که علم الهی و معرفت الهی نمی‌تواند از اهتمام به امور مسلمین جدا باشد. نمی‌تواند کسی بگوید من می‌خواهم طلب علم کنم، سراغ مظانّ آن هم می‌روم، اهلش را هم پیدا می‌کنم و دیگر با هیچ چیز کاری ندارم. اصلاً این امکان ندارد. نمی‌تواند یک عالم دینی بگوید من نسبت به سرنوشت جامعه و سرنوشت مسلمین بی‌تفاوتم. اگر چنین باشد، باید در علم او و معرفت او شک کرد؛ به این معنا که ناقص است. این معرفت ناقص است؛ معرفتی که از دین برای او حاصل شده ناقص است. چون طبق تعالیم قرآن، تعالیم پیامبر(ص) و اولیای معصومین (علیهم السلام) و همه انبیا، نمی‌تواند تعالیم دینی و عالمان دین از اهتمام به امور مسلمین تفکیک شود.

دو سطح از اهتمام به امور مسلمین

اهتمام به امور مسلمین هم خودش در دو سطح قابل بررسی است.

سطح اول

شما هیچ عالم دینی را نمی‌توانید پیدا کنید که اهتمام به امر برادران دینی نداشته باشد. اهتمام به امر برادران دینی گاهی در سطح گره‌گشایی از کار آن‌هاست؛ برادر مسلمان نیاز مالی دارد، بیماری دارد، مشکلات دارد، اختلاف خانوادگی دارد، او نیاز دارد به اینکه کمک شود. همه عالمان ما با سطوح مختلف علمی و جایگاهی که دارند به این مسئله اهتمام دارند. البته شدت و ضعف دارد؛ بعضی اهتمامشان خیلی شدید است، بعضی اهتمامشان کمتر است. شما یک امام جماعتی که مثلاً در محله‌ای در یک منطقه‌ای اقامه جماعت می‌کند را نگاه کنید، در همان مسجد و میان همان مأمومین، کسانی هستند که مراجعه می‌کنند و گرفتاری دارند؛ می‌خواهند دختر شوهر دهند، می‌خواهند مسکن تهیه کنند، قرض می‌خواهند؛ بالاخره کارهایی برای رفع نیازهای مردم انجام می‌دهند. این یک سطح از اهتمام به امور مسلمین است؛ یعنی تلاش برای رفع نیاز فردی آنان در ابعاد مختلف. عرض

کردم، حداقل من سراغ ندارم که یک عالم دینی در این سطح نسبت به امور مسلمین و جامعه اهتمام نداشته باشد، اگرچه اهتمام برخی بیشتر و اهتمام برخی کمتر است. اگر هم باشد، «النادر کالمعدوم» است.

سطح دوم

اما سطح عمیق‌تری از اهتمام به امور مسلمین نیز داریم که آن بسیار مهم‌تر است: اهتمام به امور مسلمین در سطح دوم، یعنی توجه به توطئه‌ها و نقشه‌های اجانب برای جامعه اسلامی و مسلمانان، و نهایتاً وادار کردن مسلمانان به تسلیم و غارت منابع آنان. در بسیاری موارد دشمنان اسلام و مسلمین برنامه‌ریزی دارند برای غارت منابع مسلمین، برای تضعیف مسلمین، برای اختلاف و تفرقه میان آنان، و برای تشدید نزاع بین مسلمین. در یک کلمه، اهتمام به امر جامعه اسلامی، این سطح دوم است. یک وقت اهتمام به امور مسلمین در حوزه نیازهای فردی است که اشاره کردم؛ یک وقت اهتمام به امور مسلمین در حیطه اجتماعی است. بالاخره غیر از افراد مسلمان، جامعه اسلامی هم داریم. جامعه اسلامی خودش هویتی دارد، حیاتی دارد، عزتی دارد، ذلتی دارد. همان‌طور که یک فرد مرگ و حیات دارد، عزت و ذلت دارد، همان‌طور که یک نفر می‌تواند قوت و ضعف داشته باشد، یک جامعه نیز می‌تواند قوت و ضعف داشته باشد. یک عالم دین به هیچ وجه نمی‌تواند خود را از اهتمام به امر مسلمین منفک کند؛ شما کسی را پیدا نمی‌کنید که در سطح اول خود را از این امور جدا کند. اما در سطح دوم، ممکن است اهتمام وجود نداشته باشد. برخی می‌گویند ما می‌خواهیم به مسائل علمی بپردازیم و به این کارها کاری نداریم. مگر می‌شود یک عالم دین به امور اجتماعی مسلمین، به جامعه اسلامی، و به توطئه‌ها و نقشه‌های اجانب کاری نداشته باشد؟ اهتمام به امور مسلمین در این عرصه اولویت دارد نسبت به اهتمام به نیازهای فردی. آن هم مهم است؛ آن نیز باید باشد، چنان‌که هست؛ اما اهتمام به امور اجتماعی مسلمین و اهتمام به جامعه اسلامی قطعاً اهمیت بیشتری دارد. وقتی دشمن تلاش می‌کند هویت دینی را از یک جامعه اسلامی بگیرد، تلاش می‌کند منابع را غارت کند، ممکن است به حسب ظاهر اجازه هرگونه عمل و فعالیت دینی و مذهبی را نیز بدهد، اما نسبت به این جهت می‌خواهد راه خودش را برود، منابع را غارت کند، منابع را به تصرف درآورد. ما نمی‌توانیم نسبت به این جهت بی‌تفاوت باشیم.

نقشه دشمنان و مسئولیت عالمان دین در شرایط کنونی

الان کشور ما، مردم ما، و اساساً جامعه مسلمانان، (فرقی نمی‌کند، در خارج از دایره مرزهای ایران هم همین‌طور است) در یک شرایط خطیر و حساسی هستیم. توجه به این شرایط بسیار مهم است. نمی‌توانیم نسبت به این شرایط بی‌توجه و بی‌تفاوت باشیم. من همیشه هم می‌گویم این سخنان به معنای نادیده گرفتن ضعف‌ها، اشکالات و امثال این امور نیست. ما همیشه باید توجه کنیم که از سوی دشمنان در معرض تهدید و حمله هستیم. این چند ماه را ملاحظه فرمودید؛ در ماه رمضان، (نهم رمضان) که گستاخانه با حمله به بیت مقام معظم رهبری موجب شهادت رهبر معظم انقلاب شدند و جمعی از فرماندهان، و همان روز در میناب آن فاجعه وحشتناک را به وجود آوردند. در این مدت نیز نقشه‌ها و نیت‌های شوم آنان بر ملا شده است. ممکن است شکل‌های مختلفی پیدا کرده باشد، اما مقصد آنان روشن و نیت آنان آشکار است. حال هر از چند گاهی شکل مواجهه و معارضة خود را با ما عوض می‌کنند؛ یک وقت حمله نظامی، یک وقت محاصره اقتصادی، یک وقت ترکیبی از این دو برای اینکه بخواهند ایران را وادار به تسلیم کنند.

حالا من می‌خواهم عرض کنم مسئولیت ما در این شرایط چیست و ما چه باید بکنیم. از یک طرف مشکلات زندگی مردم هست؛

انصافاً مردم در این تقریباً هفت ماه، مردانه و قهرمانانه صبر و استقامت خودشان را نشان دادند و تاب‌آوری خودشان را نشان دادند، با همه فشارهایی که دشمنان متوجه کردند، حمله نظامی، محاصره اقتصادی.

اولاً ما باید کمک‌کار مردم باشیم، همراه و همدل باشیم، چه در قول و چه در عمل. این خیرخواهی، همراهی، همدلی و مواسات باید توسعه پیدا کند. حالا مشکلاتی هم هست؛ ممکن است مسئولین نیز یک وقت تصمیم اشتباه یا راه خطا رفته باشند؛ این‌ها هم ممکن است. اما آنچه الان برای ما مهم است حفظ این علم و پرچم است؛ حفظ کشور یکپارچه ایران، حفظ نظام جمهوری اسلامی، و حفظ مردم در این شرایط، باید حواسمان باشد. هر قدمی، هر تلاشی، هر کاری که بخواهد این علم و پرچم را در این شرایط ضعیف کند، قطعاً حرام است. بالاخره ما در یک کشوری زندگی می‌کنیم؛ یک کشتی است که در آن نشسته‌ایم و داریم حرکت می‌کنیم در این امواج سهمگین و طوفانی که ما را احاطه کرده است، حفظ خود کشتی، ساکنان کشتی، و آن فرماندهی که این کشتی را راهبری می‌کند اهمیت دارد. اگر قرار باشد هر کسی با ایزاری گوشه‌ای از این کشتی را سوراخ کند، هیچ‌کس نجات پیدا نمی‌کند. اگر قرار باشد در داخل این کشتی به جان هم بیفتند، اختلاف کنند، دعوا و نزاع کنند، و نیروها صرف اموری شود که آسیب می‌زند، معلوم است نمی‌توانیم دست به دست هم این راه را ادامه دهیم. اگر فرمانده این کشتی تضعیف شود، معلوم است که نمی‌تواند راهبری کند.

بنابراین، آنچه در این شرایط بسیار بسیار اهمیت دارد، تقویت تاب‌آوری مردم، صبر مردم، آگاهی‌بخشی به مردم، روشن کردن نیات شوم دشمنان، تبیین مقاصد دشمنان، و اتحاد و همدلی و انسجام تحت رهبری رهبر انقلاب است. ما این مجموعه را باید حفظ کنیم، از اختلاف و تفرقه دست برداریم. امروز بیش از هر زمانی دشمن به اختلافات و نزاع‌ها دل خوش کرده است. باید خویشتن‌داری شود، باید مراقبت کنیم تنازع پیش نیاید و چشم به علمدار و علم و گوش به فرمان علمدار پیش برویم. راهی غیر از این نداریم. اگر هر کسی، در این شرایط بخواهد برای خودش راهی برود، مشکل ایجاد می‌شود. بالاخره اختلاف نظر وجود دارد؛ اگر بگویند من این را قبول ندارم، آن را قبول ندارم. نمی‌شود. عقل سلیم، شرع و عرف، حکم می‌کنند که وقتی مجموعه‌ای یک فرمانده و راهبر دارد، همه باید پشت سر آن راهبر و فرمانده حرکت کنند و از اختلافات دست بردارند تا انشاءالله از این مرحله هم عبور کنیم و انشاءالله به مدد نصرت الهی به پیروزی‌های درخشان‌تر دست پیدا کنیم.

اگرچه در این مدت نیز واقعاً دشمن شکست خورده است؛ یعنی تردیدی در این نیست. در این هفت ماه، آن‌ها به هیچ یک از اهدافی که برای خودشان تعیین کرده بودند نرسیدند. این حرف من یا امثال من نیست؛ اذعان خود کارشناسان و تحلیلگران نظامی، امنیتی و سیاسی آن‌هاست. ببینید چند بار مجبور شدند مقاصد و اهداف خودشان را تغییر دهند. آن‌ها یک هدف داشتند، تجزیه ایران، از بین بردن نظام جمهوری اسلامی، تسلط بر منابع این کشور و غارت کردن. یک هدف اصلی بیشتر نداشتند. چیزی را که به زعم آن‌ها مزاحم و مانع بود می‌خواستند بردارند. هرچه گفتند که غیر از این است، همه بهانه بود. اصل هدفشان این بود؛ و هرچه تلاش کردند و هرچه تجمیع قوا کردند، نتوانستند به این هدف برسند. و این با عنایت الهی، عنایات معصومین(ع)، اتحاد مردم، مقاومت و ایستادگی و صبوری مردم حاصل شد؛ و البته با آمادگی‌هایی که نیروهای نظامی و مسلح ما داشتند، سپاه، ارتش، بسیج، و دستگاه‌های اطلاعاتی و انتظامی؛ و تمهیداتی که رهبر شهید انقلاب اندیشیده بودند و آمادگی‌هایی که طی این سال‌ها فراهم کرده بودند، دشمن نتوانست بعد از آن ضربه اولیه سختی که به این کشور وارد شد، برنامه خودش را پیش ببرد.

انشاءالله ما در کنار طلب علم، در کنار طلب علم در مظانّش، در کنار اقتباس علم از اهلش، نمی توانیم نسبت به امور مسلمین و به امور جامعه اسلامی بی تفاوت باشیم. اصلاً این ها از هم تفکیک ناپذیرند؛ قابل تفکیک نیستند. این ها از یکدیگر جدا شدنی نیستند. با این بیانی که عرض کردم. انشاءالله ضمن دقت و توجه به ضرورت درس خواندن و طلب علم، باید به ضرورت پرداختن به امور جامعه نیز ان شاءالله توجه کنیم، تا بتوانیم عالمی جامع و مفید به حال مردم باشیم.

«والحمد لله رب العالمین»